



فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

سال سوم، شماره ۳، پیاپی ۸، پاییز ۱۳۹۹

[www.qpjournal.ir](http://www.qpjournal.ir)

ISSN : 2645-6478

## تحلیل سبک‌شناختی قصیده انوری دربارهٔ حملهٔ غزان به خراسان

دکتر طاهره میرهاشمی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۴/۲۷

(از ص ۳۵ تا ص ۵۲)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26456478.1399.3.3.3.7>

### چکیده

این گفتار به تحلیل سبک‌شناختی قصیده انوری دربارهٔ حملهٔ ترکان غز به خراسان در سه محور زبانی، بلاغی و ایدئولوژیکی خواهد پرداخت. پرسشهای پژوهش پیش رو عبارت است از اینکه انوری در این قصیده سیاسی از چه رمزگانی بهره جسته است؛ شگردهای بلاغی انوری برای گزارش اوضاع خراسان و اقناع مخاطبش، قلیج ارسلان، کدام است و ایدئولوژی مسلط بر متن این قصیدهٔ شکوایی و اعتراضی چیست. برای پاسخ دادن به پرسشهای تحقیق، داده‌های زبانی، بلاغی و فکری از متن قصیده به صورت استقرایی استخراج و در چهارچوب سبک‌شناسی شعر در سه محور زبان، بلاغت و ایدئولوژی به روش توصیفی - تحلیلی بررسی و نقد شده است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد انوری در لایهٔ زبانی با تکرار و موازنه و انواع جناس موسیقی کلام خود را دو چندان کرده است و با استفاده از رمزگان دینی و حکومتی با مخاطب سخن گفته است. در محور بلاغی ضمن به کار بردن آرایه‌های بدیعی معنوی از شگرد امر مؤدبانه، پرسش بلاغی برای تنبیه و تذکر و اطناب بهره برده است و در محور ایدئولوژیکی شاعر با ارائه تصاویر آفاقی و ترسیم فضای مصیبت‌بار جامعه خراسان و نمایش ستم ترکان غز از طریق تمسک به اعتقادات و باورهای دینی سلجوقیان و رسوم درباری ایشان از مخاطب یاری خواسته است.

واژه‌های کلیدی: انوری ابیوردی، قصیده انوری، سبک‌شناسی، محورهای سبک‌شناسی.

فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

<sup>۱</sup> استادیار دانشگاه اراک، ایران، اراک // [t-mirhashemi@araku.ac.ir](mailto:t-mirhashemi@araku.ac.ir)



## ۱. مقدمه

فریدالدین (اوحدالدین) محمد بن علی انوری ابیوردی از شاعران نام‌آشنای سده ششم هجری است که تاریخ دقیق تولد و درگذشت او معلوم نیست. وی در آغاز راه سخنوری به سبب انتساب به دشت خاوران، خاوری تخلص می‌کرده، سپس تخلصش را به انوری تغییر داده است.<sup>۱</sup> انوری در علوم رایج روزگار خود از جمله ریاضیات، نجوم، هیأت، فلسفه، منطق، طبیعیات و طب سرآمد بوده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۲۳) و یکی از دلایل دشواری و دیرپایی معانی اشعار او برای مخاطب امروزی، اشتغال اشعارش به مصطلحات آن دانش‌ها است. (صفا، ۱۳۳۹، ج ۲: ۶۶۷). وی در فن شعر به ویژه در سرودن قالبهای قصیده، غزل و قطعه نامدار گشته است و به دلیل وجهه برجسته قصیده‌سرایی او را یکی از «سه پیامبر شعر فارسی»<sup>۲</sup> لقب داده‌اند. انوری بخش بیشتر عمر شاعری خود را در دربار سلطان سنجر سلجوقی (حکومت ۵۱۱ - ۵۵۲ هـ ق.) سپری کرده است.

اهمیت سبکی اشعار انوری از آن رو است که او از شاعران دوره فترت و گذار یا سبک بینابین یا سبک عهد سلجوقی شمرده شده است. وی همانند ظهیر فاریابی (درگذشته ۵۹۸ هـ ق.) در دوره گذار از سبک خراسانی به سبک عراقی شعر می‌سراید؛ در غزل متمایل به سبک نوظهور عراقی است و در قصیده گرایش به سبک خراسانی دارد. (شمیسا، ۱۳۸۲: ۱۰۷). یکی از قصاید مشهور انوری که موضوع جستار پیش رو است چکامه‌ای سیاسی است با مطلع:

به سمرقند اگر بگذری ای باد سحر  
نامه‌ اهل خراسان به بر خاقان بر  
(۱۳۷۶، ج ۱: ۲۰۱)

انوری این قصیده را در پی حمله ترکان غز به خراسان و اسارت سلطان سنجر سلجوقی به منظور استمداد از والی سمرقند - سلطان رکن الدین محمود قلج طمغاج خان - سروده است. این قصیده همانند بیشتر قصاید انوری که غالباً با مدح و بدون هیچ مقدمه‌ای شروع می‌شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۳۹) چکامه‌ای است مقتضی که بخش بیشتر آن به بیان موضوع، یاری طلبیدن از حاکم سمرقند و ترسیم فضای آشفته خراسان اختصاص یافته و تنها در بیت مقطع شاعر به دعا و تأیید پرداخته است:

تا جهان را بفروزد خور گیتی‌پیمای  
از جهاننداری ای خسرو عادل بر خور  
(انوری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۰۵)

این قصیده انوری ساختار نامه رسمی را دارد و شاعر در سه بیت (بیت ۱۴، ۶۳ و ۶۴) از آن با عنوان «قصه» یاد کرده است؛ «قصه برداشتن و قصه رفع کردن به معنی دادخواهی و مرافعه نزد سلطان یا امیر و وزیر بردن است» (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۲۲۹) و این قصیده نیز قصه و نامه دادخواهی متضمن شکایت است.

سبک‌شناسی به عنوان یکی از شاخه‌های علوم ادبی به تشخیص و توصیف ویژگیهای شاخص زبانی در هر متن ادبی می‌پردازد و خود شاخه‌های گوناگونی مانند سبک‌شناسی آموزشی، کاربردی، نقشگرا، انتقادی، تاریخی، پیکره‌ای و شناختی و ... دارد. در تعریف سبک گفته شده است: «اسلوبی برای کاربرد زبان در بافتی مفروض، توسط فردی



مفروض و با هدفی مفروض» (نورگارد و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۹). بر اساس این تعریف و نقد و نظرهای ارائه شده درباره سبک از نظر منتقدان شش مؤلفه در تعریف و تشخیص سبک برجسته شده است که عبارتست از: ۱- گزینش انگلیخته از زبان؛ ۲- خروج از زبان هنجار یا انحراف از نرم (norm)؛ ۳- تکرار و تداوم یک ویژگی؛ ۴- گونه‌ای کاربردی از زبان؛ ۵- سخن متناسب با بافت و موقعیت؛ ۶- شخصی شدن زبان و نمود فردیت در آن. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۶۴).

در تحلیل سبک‌شناختی قصیده سیاسی انوری کوشش می‌شود تا از طریق به کار بستن مؤلفه‌های شش‌گانه یاد شده در ذیل سه محور کلی زبان، بلاغت و ایدئولوژی به پرسشهای زیر پاسخ داده شود:

الف. شاعر در این قصیده سیاسی از چه رمزگانی بهره جسته است؟  
ب. شگردهای بلاغی انوری برای گزارش اوضاع پریشان خراسان در اثر حمله ترکان غز و اقناع مخاطبش، قلعج ارسالن، کدام است؟

ج. ایدئولوژی مسلط بر متن این قصیده شکوایی و اعتراضی چیست؟

به نظر می‌رسد انوری همسو با حالات روحی خویش در اثر ویرانی میهنش - خراسان - و نیز از دست دادن ممدوح - سلطان سنجر سلجوقی - به گزینش زبانی خاصی دست یازیده است. وی متناسب با بافت موقعیتی خود که سخنگوی اهل خراسان است و جایگاه مخاطبش - قلعج طمغاج خان - و شرایط زمانی و مکانی آن روزگار در صدد است با محور قرار دادن ایدئولوژی دینی اسلام در موضوع رابطه شاه و رعیت از یک سو و استفاده از سنن و آداب سیاست و حکومت مانند کین‌خواهی و پیوند خویشاوندی و ... دیدگاه و نگرش قلعج طمغاج خان - والی سمرقند - را تحت تاثیر قرار دهد و او را به مقابله با ترکان غز برانگیزد. گفتمان این قصیده خطاب‌مانند در خدمت برانگیختن علائق سیاسی و عاطفی خاقان سمرقند - خواهرزاده سلطان سنجر سلجوقی - است. در این قصیده «فن شعر انوری خود تلفیقی است از فن شعر و فن خطابه؛ زیرا هدف شعر در بعضی موارد نزد وی مثل هدف خطابه است: اقناع طرف و تحریک و تشویق او به امری که مورد نظر خطیب است» (زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۱۸۱).

پیشینه بحث: درباره احوال انوری و شرح و تحلیل اشعار او کتابها و مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده است و در هر یک از این آثار از چشم‌اندازی خاص به آثار انوری پرداخته شده است. برخی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع این گفتار عبارت است از کتاب‌های: شرح لغات و مشکلات دیوان انوری (۱۳۵۸) از سید جعفر شهیدی، که نویسنده در این نوشتار به توضیح واژگان و شرح برخی از دشواریهای متن پرداخته است؛ مفلس‌کیمیا فروش (۱۳۷۲) از محمدرضا شفیعی کدکنی، نویسنده در این اثر پس از معرفی انوری در مقدمه به شرح و تحلیل نمونه اشعار شاعر پرداخته است و از جمله در چند جای مقدمه به قصیده موضوع این جستار اشاره داشته و در متن نیز این قصیده را شرح و تفسیر کرده است؛ مقاله‌های «سبک‌شناسی نظم در قرن ششم» (۱۳۸۵) از سید ضیاءالدین سجادی که نویسنده در این مقاله به کلیات سبک‌شناسی اشعار انوری و جمال‌الدین اصفهانی پرداخته است؛ «حمله غزها به خراسان و بازتاب آن در قصاید فارسی» (۱۳۹۳) از زهره نورایی‌نیا و حسن اکبری بیرق که نویسندگان به توصیف بازنمایی اثرات یورش ترکان غز به خراسان در اشعار انوری، رشیدالدین وطواط و خاقانی شروانی پرداخته‌اند؛



«سبک‌شناسی قصاید انوری ابیوردی» (۱۳۹۴) از فریبا قره‌داغی کراله و حسین خسروی که نویسندگان به توصیف ویژگی‌های موسیقایی، صنایع ادبی و زبان شعری قصاید انوری همت گماشته‌اند و ... پژوهش‌هایی که به عنوان نمونه معرفی شد، کل‌نگر هستند و نویسنده این سطور به گفتاری که به صورت جزء‌نگر به سبک‌شناسی خرده‌متن یک قصیده (موضوع مقاله پیش رو) پرداخته باشد دسترسی نیافت؛ از این رو در این نوشتار قصیده انوری در سه سطح زبانی، بلاغی و ایدئولوژیکی بررسی و تحلیل خواهد شد.

## ۲. سطح زبانی قصیده

هر سخنوری برای ایجاد ارتباط با مخاطب و انتقال پیام خویش دربارهٔ یک موضوع در چهارچوب رمزگانی خاص و از طریق ابزاری مشخص متنی را تولید می‌کند. پس از آفرینش متن، مخاطب با متن روبه‌رو شده در صدد رمزگشایی متنی که پیشتر به وسیلهٔ سخنور رمزگذاری شده خواهد بود که نخستین گام در این زمینه از نظر سبک‌شناسی تحلیل رمزگان و سطح زبانی آن متن است. در تحلیل زبانی سه سطح خردتر آوایی، واژگانی و نحوی سبک بررسی می‌شود.

### ۲.۱. سطح آوایی

در این سطح از محور زبانی که سطح موسیقایی متن نیز نامیده شده است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۱۶) سبک‌شناس ادبی به بررسی الگوهای آوایی، که ابزار ایجاد موسیقی در متن هستند، می‌پردازد. در نظام مطالعات سنتی، علوم ادبی عروض و قافیه و بدیع لفظی که بیشتر در صدد تحلیل برونه زبان است (فتوحی، ۱۳۹۰: ۵۴۷) در این سطح کاربرد دارد.

در قصیده انوری وزن بیرونی شعر عبارت است از:

به سمرقند اگر بگذری ای باد سحر انسان و مژگان خاقان  
 نامۀ اهل خراسان به بر خاقان بر

(۱۳۷۶، ج ۱: ۲۰۱)

فعلاتن | فعلاتن | فعلن | فاعلاتن | فعلاتن | فعلاتن | فع لن

این قصیده در بحر رمل مثنی‌مخبون اصلم سروده شده است. تفاوت آرایش هجاها در تقطیع بیت نخست که در ابیات دیگر قصیده هم به چشم می‌آید به سبب قاعده ابدال (فاعلاتن = فعلاتن) و اختیار شاعری تسکین (فع لن = فعلن) است (مدرسی، ۱۳۸۴: ۷۳). بحر رمل یکی از بحرهای پرکاربرد و خوش‌آهنگ شعر فارسی است و به نظر می‌رسد انتخاب این موسیقی در این قصیده انوری همسو با محتوا و فضای شعر صورت گرفته است؛ چراکه به باور پژوهشگران «بحر رمل برای بیان مفاهیم عاطفی مثل حزن یا فرح و مانند آن مناسب است» (همان: ۷۲).

موسیقی کناری این قصیده بر اساس قافیه و حرف روی «ر» است. آنچه درباره قافیه این قصیده گفتنی است

و شاعر خود در بیت هفتاد بدان معترف شده است:





گر مکرر بود ایطاء در این قافیتم چون ضروری است شها پرده این نظم مدر  
(انوری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۰۵)

وجود عیب قافیه - ایطای جلی و خفی - در ابیات متعدد قصیده است؛ از جمله تکرار واژه‌های قافیه «بر»، «ببر»، «فرمانبر» و «پیغمبر» در بیت‌های ۱، ۳۱، ۵۱، ۵۵، ۶۳ و ۷۱؛ «سیر» در بیت‌های ۱۱ و ۲۷؛ «یکسر» در بیت‌های ۱۲ و ۴۲؛ «ظفر» در بیت‌های ۱۵ و ۴۰ و «مهرت و کاملتر» در بیت‌های ۱۸ و ۵۸. این کاستی - ایطا در قافیه آن هم از نوع جلی - بر اساس موازین نقد شعر در ادبیات کلاسیک نشانه ضعف در احضار بهنگام کلمات قافیه و قدرت سخنوری است.

از جمله نکات دیگر در تحلیل سطح آوایی این قصیده، کاربرد برخی واژگان در موسیقی کناری مطابق با الگوی آوایی و تلفظ کهن است که این امر نشان‌دهنده دیرینگی متن و فاصله زیاد آن با الگوی آوایی امروز زبان فارسی است مانند تلفظ واژه «خور» در قافیه قصیده که منتهی به «ر» است در معنی خورشید (بیت ۴۴)، شایسته و درخور (بیت ۶۱) و بخور و بهره‌برداری کن (بیت ۷۳).

مطلب دیگری که در تحلیل سطح آوایی شایان ذکر است کاربرد فراوان آرایه‌های بدیع لفظی است؛ از جمله تکرار برخی واژه‌ها مثل تکرار «خاقان و عناوین و القاب متراف با آن» (۲۳ بار)، «نامه» به صورت لفظ و با ارجاع به صورت ضمیر (۱۳ بار)، «خراسان» (۹ بار)، «غز» (۸ بار)، «ایران» (۸ بار)، «قصه» (۳ بار) و ...؛ کاربرد انواع جناس مانند «بر» (بیت ۱) «حشر» (بیت ۳۲ و ۵۶)، «خور» (بیت ۷۳) و ...؛ استفاده از موازنه در بیش از ده بیت:

بر بزرگان زمانه شده خردان سالار	بر کریمان جهان گشته لثیمان مهتر
بر در دنوان احرار حزین و حیران	در کف رندان لبرار اسیر و مضطر

(انوری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۰۲)

## ۲.۲. سطح واژگانی

هر سخن‌گستری برای بیان اندیشه و احساس خویش دست به‌گزینش از نظام زبان می‌زند و از این نظر سبک هر سخنور در گام نخست انتخاب وی است از نظام زبان؛ به دیگر سخن هنرمند از امکانات بالقوه و توانش زبانی خود از طریق گزینش و انتخاب، به کنش و تولید گفتار مد نظر خویش می‌پردازد.

چندی و چونی زبان شاعران در گزینش واژگان می‌تواند با اعتقادات، تحصیلات، علایق، محیط جغرافیایی، طبقه اجتماعی، جنسیت و ... همسو باشد و ارزش سبک‌شناختی این واژگان زمانی بروز می‌کند که امکان انتخاب از میان چند واحد زبانی همانند و هم‌ارز میسر باشد. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۷).

انوری، فرستنده متن و سخنگوی اهل خراسان، در نامه‌ای که در یک بافت رسمی به حاکم سمرقند ارسال خواهد شد، به توصیف وضعیت نابسامان خراسان و رفتار غزان در آن سامان می‌پردازد. گیرنده شخصیتی حکومتی و ممدوح شاعران است و شعر در چهارچوب قصیده‌ای درباری - مدحی باید عرضه شود؛ بنابراین شاعر در انتخاب نوع واژگان در خطاب به گیرنده، عناوین و القاب و نقش او را برجسته کرده است و از حوزه رمزگان حکومتی بهره جسته است؛



بیست و هشت بار از طریق ترادف و تکرار قلج طمغاج را با عناوین خاقان، خداوند جهان، خسرو عادل، پادشاه، شه شرق، بدل اسکندر، جهاندار و ... مخاطب قرار داده است:

خسرو عادل خاقان معظم کز جدّ  
پادشاه است و جهاندار به هفتاد پدر ...  
ای کیومرث بقا پادشاه کسری عدل  
وی منوچهرلقا خسرو افریدون فر  
(انوری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۰۱)

انوری برای فراهم ساختن امکان تجسم اوضاع خراسان برای مخاطب، بیشتر از واژگان عینی، اسم نوع و صریح بهره جسته است تا به وضوح و روشنی بیان و تصاویر شعری خود بیفزاید:

شاد الا به در مرگ نبینی مردم  
بکر جز در شکم مام نیابی دختر  
مسجد جامع هر شهر ستورانشان را  
پایگاهی شده نه سقفش پیدا و نه در  
خطبه نکنند به هر خطّه به نام غز از آنک  
در خراسان نه خطیب است کنون نه منبر  
کشته فرزند گرامی را گر ناگهان  
بیند، از بیم خروشید نیارد مادر  
دارد آن جنس که گویش خریده ست به زر  
آنکه را صد ره غز زر ستد و باز فروخت  
(انوری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۰۲)

در این قصیده شاعر از واژگان عادی و رایج در زبان شعری روزگار خود استفاده کرده است و واژه‌سازی و ترکیب‌آفرینی نکرده است. به نظر می‌رسد اولویت انتقال صریح و سریع پیام، بیرون رفتن این قصیده از فضای دربار و مخاطبان هنری آنجا (شاعران درباری)، داشتن مخاطب عام و انسانی و نیز شعر نافهمی حاکمان سلجوقی (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۱۰۶) در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است.

در این قصیده رمزگان حکومتی و رمزگان دینی بر متن مسلط است و واژگان بیشتر از این دو حوزه گزینش شده است؛ این مساله ناشی از دو عامل است: نخست اینکه شعر برای مخاطب درباری، که حاکم سمرقند و از خویشان سلطان سنجر سلجوقی است، سروده شده و قرار است در نظام و دستگاه اداری و سیاسی آن روزگار به او عرضه شود؛ از این رو زبان متناسب با سنت حکومت و دربار و جایگاه پادشاه در آن روزگار است:

تا کنون حال خراسان و رعایا بوده ست  
بر خداوند جهان خاقان پوشیده مگر  
نی نبوده ست که پوشیده نباشد بر وی  
ذره‌ای نیک و بد نه فلک و هفت اختر  
کارها بسته بود بی‌شک در وقت و کنون  
وقت آن است که رلند سوی ایران لشکر  
خسرو عادل خاقان معظم کز جدّ  
پادشاه است و جهاندار به هفتاد پدر  
دایمیش فخر به آن است که در پیش ملوک  
پسرش خواندی سلطان سلاطین سنجر  
(انوری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۰۱)

دوم اینکه سلجوقیان و از جمله مخاطب این قصیده مشروعیت حکومت خود را در چهارچوب ایدئولوژی دینی به دست آورده‌اند و شاعر با آگاهی از این موضوع و در راستای تثبیت و تایید آن از رمزگان دینی یاری گرفته است:



بر مسلمانان زان نوع کنند استخفاف  
هست در روم و خطا امن مسلمانان را  
ای سرافراز جهانبانی کز غایت فضل  
به تو ای سایهٔ حق خلق جگرسوخته را  
که مسلمان نکند صد یک از آن با کافر  
نیست یک ذرهٔ سلامت به مسلمانی در ...  
حق سپرده‌ست به عدل تو جهان را یکسر...  
او شفیع است چنان کامت را پیغمبر  
(همان، ۲۰۲ - ۲۰۴)

نکته دیگری که شایان ذکر است نشاننداری برخی واژگان قصیده است بدین صورت که شاعر با تعیین مرز میان خودی (اهل خراسان و خود شاعر که از ایشان است) و دیگری (ترکان غز مهاجم) در انتخاب واژگان و صفات و تعابیر زبانی از عناصر نشاندار در این تقابل بهره گرفته است:

خبرت هست کزین زیر و زیر شوم غزان  
بر یزرگان زمانه شده خردان سالار  
نیست یک پی ز خراسان که نشد زیر و زبر  
بر کریمان جهان گشته لئیمان مهتر  
بر در دونان احرار حزین و حیران  
در کف زندان ایرار اسیر و مضطر  
(همان، ۲۰۲)

### ۳.۲. سطح نحوی

سطح نحوی به تحلیل و تفسیر چینش و همنشینی واژگان در جمله، نشاننداری یا بی‌نشانی واحدهای زبان در جمله، وجهیت و بازتاب دیدگاه سخنور از طریق آن و ... می‌پردازد. در این قصیده هفتاد و سه بیتی یکصد و ده جمله وجود دارد که از این تعداد، جملهٔ استثنایی ۱۷ مورد، جملهٔ ساده ۴۷ مورد و جملهٔ مرکب ۴۶ مورد است. جمله‌های استثنایی این قصیده همه از نوع جمله‌های ندایی هستند و در تمام این جمله‌ها نقش‌نمای ندا به کار رفته است. علت بسامد فراوان جمله‌های ندایی این است که شاعر قصیده را خطاب به حاکم سمرقند سروده است و از وی تقاضا و استمداد برای دفع ترکان غز و بازگرداندن آرامش به خراسان دارد؛ از این رو پانزده بار او را مستقیم مورد خطاب قرار داده است. در دو جمله ندایی نیز با اسناد مجازی «باد» مورد خطاب قرار گرفته است (بیت ۱ و ۷۱) و در یکی از همین دو بیت خطاب به باد، شاعر به اقتضای خویش از عمق بخارایی هم اشاره کرده است:

به سمرقند اگر بگذری ای باد سحر  
هم بر آن‌گونه که استاد سخن عمق گفت  
نامهٔ اهل خراسان به بر خاقان بر...  
خاک خون‌آلود ای باد به اصفهان بر  
(انوری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۰۱ و ۲۰۵)

جمله‌های ساده و مرکب این قصیده که از نظر تعداد، نسبت مساوی دارند دور از تعقید و ابهام و از نظر دستوری به زبان محاوره و تخاطب نزدیک‌اند. «در بعضی از قصاید او [انوری] نیز صمیمیت لهجه و سادگی بیان حفظ شده است ... قصیده معروف نامه اهل خراسان که به سمرقند فرستاده است و در آن هجوم عواطف به او مجال آن را نداده است که رسمی و تشریفاتی سخن بگوید به همین دلیل بسیار ساده و طبیعی و نزدیک به گفتار روز است و اثری از فضل‌فروشی‌های رایج در قصاید او ندارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۶۹)



در این قصیده ۱۶۱ فعل وجود دارد که ۱۰۰ فعل آن از زمرهٔ افعال تام است و ۶۱ فعل آن از نوع افعال ربطی است. پس از تحلیل جمله‌های ساده و تأویل جمله‌های مرکب آنچه از نوع افعال متن به دست آمد نشان می‌دهد که ۸۰ فعل این قصیده از نوع گذراست (۶۸ فعل گذرا به مفعول و ۱۲ فعل گذرا به متمم) که در این جمله‌ها صدای دستوری متن فعال است؛ چرا که این افعال از یک نهاد کنشگر سر زده و تأثیر آن کنش بر مفعول یا کنش‌پذیر رسیده است:

قصهٔ اهل خراسان بشنو از سر لطف      چون شنیدی ز سر رحم به ایشان بنگر  
(انوری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۰۲)

۷۱ فعل این قصیده از نوع افعال ربطی (گذرا به مسند) است و صدای دستوری در این افعال منفعل است؛ چرا که حالتی یا وضعیتی یا صفتی به نهاد نسبت داده شده است و نهاد در وضعیت کنش‌پذیری و تأثیر است؛ شاید یکی از نقدهای وارد بر این قصیده خنثی کردن رفتار ترکان غز با استفاده از افعال ربطی (صدای منفعل) باشد:

بر بزرگان زمانه شده خردان سالار      بر کریمان جهان گشته لئیمان مهتر  
بر در دنوان احرار حزین و حیران      در کف رندان ابرار اسیر و مضطر  
مسجد جامع هر شهر ستورانشان را      پایگاهی شده نه سقفش پیدا و نه در  
(همان)

۱۰ فعل قصیده از نوع ناگذر است و فعل به نهاد نسبت داده شده است و صدای منفعل دارد:

خبرت هست که از هر چه در او چیزی بود      در همه ایران امروز نمانده‌ست اثر  
(همان)

از این جامعه آماری افعال قصیده ۱۲۶ فعل به وجه اخباری، ۲۳ فعل به وجه امری و ۱۲ فعل به وجه التزامی بیان شده است. از آنجا که انوری گزارشگر اوضاع خراسان گرفتار در آشوب ترکان غز است طبیعی است که بیشتر افعال قصیده دارای وجه اخباری باشد؛ چون شاعر به مخاطبی که غایب از فضای خراسان - والی سمرقند - است از وضع خراسان گزارش خواهد داد. از آنجا که شاعر ارتباط نزدیکی با رخداد حمله غزان دارد، از طریق وجه اخباری قطعیت وقوع گزاره‌های خود را نشان داده است. انوری در ادامه به دلیل آنکه از حاکم سمرقند برای دفع ترکان غز یاری و مدد خواهد خواست، طبیعتاً با ساختار وجه امری تقاضای خود را مطرح خواهد نمود؛ البته افعال امری همه از نوع امر از پایین به بالا و با معنای درخواست و خواهش خواهد بود. افعال وجه التزامی قصیده همه معنای شرط دارند و با حرف ربط وابسته‌ساز شرط آغاز شده‌اند. شاعر در جواب شرط یا در ازای تحقق آن، درخواست خود را بازگفته یا مخاطب را از خطری آگاه و متنبه کرده است که باز هم در نتیجه معنای کلی فعل‌های وجه التزامی نیز، امر از پایین به بالا و با معنای ضمنی درخواست و خواهش خواهد بود.

یکی دیگر از مؤلفه‌های بررسی سبکی فعل، مفهوم زمان است که می‌تواند بیانگر فاصله سخنور با رخداد گزارش شده در متن باشد. در دستور زبان فارسی مبدأ سنجش زمان فعل، زمان حال (هنگام تکلم) است. (شفایی، ۱۳۶۳:





۷۵). این مبدأ سنجش زمان الزاماً با زمان تقویمی یا نجومی رابطه یک‌به‌یک و برابر ندارد. از مجموع ۱۶۱ فعل به کار رفته در قصیدهٔ انوری، ۱۲۶ فعل دارای زمان حال است که این مطلب نشانگر قطعیت بالای متن از نظر گوینده و واقع‌گرایی در متن قصیده و حضور سخنور در متن ماجراست چرا که «فعل مضارع ارتباط فوری و بی‌واسطه با واقعیت دارد و بیشتر از گذشته قطعیت دارد» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۹۱):

کارها بسته بود بی‌شک در وقت و کنون      وقت آن است که راند سوی ایران لشکر ...  
همه پوشند کفن گر تو بپوشی خفتان      همه خواهند امان چون تو بخوای مغفر  
(انوری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۰۱ و ۲۰۳)

شاعر برای افزایش میزان قطعیت و نمایش زمان حال از قیده‌های زمان حال نیز در کنار افعال سود جسته است: کنون (بیت ۸)، امروز (بیت ۱۶ و ۴۶)، امسال (بیت ۳۱) و ...

۳۴ فعل قصیده زمان ماضی دارد که نشان می‌دهد شاعر با حادثه یورش ترکان غز فاصله اندکی دارد. انوری از این افعال برای گزارش رفتارهایی که از جانب ترکان غز بروز کرده و وی به بروز آنها یقین دارد، استفاده کرده است:

خبرت هست کزین زیر و زیر شوم غزان      نیست یک پی ز خراسان که نشد زیر و زیر  
بر بزرگان زمانه شده خردان سالار      بر کریمان جهان گشته لئیمان مهتر  
آنکه را صد ره غز زر ستد و باز فروخت      دارد آن جنس که گویش خریده‌ست به زر  
(همان، ۲۰۲)

در این قصیده تنها یک فعل با ساخت زمان آینده به کار رفته است و شاعر این بیت را با معنای تحذیر و هشدار به کار برده است که اگر ممدوح کاری در پیش نگیرد و اقدامی عاجل انجام ندهد، خراسان در تصرف ترکان غز مانده، پریشانی اهل و ویرانی سرزمینش روزافزون خواهد شد:

آخر ایران که از او بودی فردوس به رشک      وقف خواهد شد تا حشر بر این شوم حشر  
(همان، ۲۰۳)

نکتهٔ دیگر از نظر نحوی در این قصیده، کاربردهای ساختارهای کهن زبانی است که در روزگار شاعر مرسوم بوده و امروزه متروک شده است و این کاربردها دلالت بر فاصله تاریخی متن با امروز دارد؛ از جمله کاربرد قید نفی و تأکید «نی» و «نه» جدا از فعل (بیت ۷، ۲۲ و ۴۴)، «ی» استمراری در فعل «خواندی» و «نخوردندی» (بیت ۱۰ و ۳۶)، واژه «رند» در معنی شخص رذل و دون (بیت ۱۹)، واژه «ره» به معنی بار و مرتبه (بیت ۲۴)، کاربرد متمم با دو حرف اضافه «به مسلمانی در» (بیت ۲۶)، کاربرد مفعول با دو نقش‌نما «مر او را» (بیت ۳۴ و ۶۶)، کاربرد «از آنک» (بیت ۶۸) و ...

### ۳. سطح بلاغی قصیده

در این محور شگردها و شیوه‌های گریز شاعر از زبان روزمره و عادی به سوی زبانی ادبی بررسی می‌شود تا نشان داده شود گوینده از چه تمهیداتی برای بیان شاعرانه و مخیل خود سود جسته است. در قصیدهٔ انوری از نظر بلاغی



در حوزه بدیع آرایه‌های تکرار، موازنه، مراعات نظیر، تضاد و تقابل، اغراق، تلمیح، تشخیص، تنسیق الصفات، انواع جناس و ... به کار رفته است.

یکی از شگردهای انوری در این قصیده استفاده از آرایه تکرار واژگانی است: او گیرنده شعرش را با عناوین تکراری و گاه مترادف مانند شاه و خاقان (۲۳ بار) مخاطب قرار داده است، از ابزار ارتباطی‌اش با الفاظ نامه و قصه (۱۶ بار) سخن گفته، موضوع قصیده‌اش را که شامل اوضاع خراسان و اهلس (۹ بار) وضعیت ایران (۹ بار) و حمله غزان (۸ بار) است، بارها با تعابیر مختلف تکرار کرده است و این تکرار نشان دهنده شدت عواطف و کثرت تأکید (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۲۴) انوری برای جلب توجه مخاطب به اهمیت موضوع و بهتر نشان دادن مطلب در ذهن اوست. یکی دیگر از جلوه‌های این تکرار و توازن کاربرد آرایه موازنه در بیش از ده بیت این قصیده است. به نظر می‌رسد انوری همانند شاعران صنعت‌گرای سده‌های پنجم و ششم از این صنعت برای زیبایی و گیرایی شعرش سود برده (محبتی، ۱۳۸۶: ۱۲۲) و از آن برای افزایش موسیقی، خوش‌نوایی و توازن، تکرار نحوی و همچنین تأکید از طریق تکرار مضمون استفاده کرده است. (کاردگر، ۱۳۸۸: ۱۰۲) استفاده از دیگر شگردهای بلاغی مانند اغراق، تنسیق الصفات، تلمیح و اقتباس و انواع جناس در این قصیده همانند دیگر شعرهای آن روزگار به صورت مرسوم و متعارف است و برجستگی خاصی ندارد؛ اما آنچه در این قصیده بیشتر به چشم می‌آید و محل تأمل است و از نظر بلاغی و ساختار شعری نیز باید در آن دقت کرد، آرایه تقابل و تضاد است که نمود بسیار بارزی دارد. از آنجا که این قصیده قرار است درباره وضعیت دو گروه خراسانیان و ترکان غز گزارش دهد انوری اهل خراسان را «خود» و غزان را «دیگری» خوانده است و در کل ساختار قصیده تقابل و تضاد میان آن دو گروه را برجسته کرده است:

اهل خراسان	بزرگان زمانه	کریمان	احرار	ابرار	مسلمان	خلق خدای و ...
ترکان غز	خردان	لئیمان	دونان	رندان	کافر	شوم‌پی غارتگر و ...

نکته دیگری که نمودی برجسته در این قصیده دارد بسامد بسیار آرایه مراعات نظیر است؛ به این معنی که شاعر در گزینش واژگان در محور افقی بیت، واژگان همسو و هماهنگ را برگزیده است. به نظر می‌رسد بیشتر هنر شاعر در محور ترکیب یا همنشینی جلوه کرده است به عنوان نمونه:

نامه‌ای مطلع آن رنج تن و آفت جان	نامه‌ای مقطع آن درد دل و سوز جگر
نامه‌ای بر رقمش آه عزیزان پیدا	نامه‌ای در شکنش خون شهیدان مضمیر
نقش تحریرش از سینه مظلومان خشک	سطر عنوانش از دیده محرومان تیر
	(انوری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۰۱)

در بیتی از این قصیده، یکی از آرایه‌های بدیعی به کار رفته است که بلاغیان و پژوهشگران بلاغت درباره عنوان، کاربرد و شواهد آن اختلاف نظر دارند و این آرایه را به چندین صورت تعریف و تبیین کرده‌اند:<sup>۳</sup>

خطبه نکنند به هر خطّه به نام غز از آنک  
در خراسان نه خطیب است کنون نه منبر  
(همان، ۲۰۲)



در بیت یاد شده در مصرع نخست، سخن شاعر زمینه مدح و ستایش دارد؛ چراکه «خطبه خواندن» و «سکه زدن» دو رفتار اثبات حاکمیت و مشروعیت‌یابی بوده است؛ اما در مصرع دوم سخن به قلمرو ذم و نکوهش لغزیده است یعنی دلیل خطبه نخواندن ترکان غز به نام خود در خراسان، پذیرش مشروعیت سلجوقیان از طرف غزان در خراسان نیست بلکه به سبب نبود خطیب و منبر - ابزار خطبه خواندن - است. این آرایه را تحویل (کاردگر، ۱۳۸۸: ۱۷۵) و تأکید الذم بما یشبه المدح (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۲۵۴) خوانده‌اند.

شاعر در بیتی دیگر با بیان نقیضی (Paradox) و طعنه طنزآمیز، شادی مردم در آستانه مرگ و بکر بودن دختران در شکم مادران را گزارش کرده است:

شاد الا به در مرگ نبینی مردم      بکر جز در شکم مام نیابی دختر  
(انوری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۰۲)

در حوزه علم بیان، بنیان کلی شعر بر تشبیه استوار است و در چند بیت تشبیه مجمل توأم با اغراق برجستگی دارد:

تو خور روشنی و هست خراسان اطلال      نه بر اطلال بتابد چو بر آبادان خور  
هست ایران به مثل شوره، تو ایری و نه ابر      هم برافشاند بر شوره چو بر باغ مطر  
(همان، ۲۰۳)

در یکی دو بیت نیز کنایه از نوع تعریض و توبیخ و نیز تهکم وجود دارد که نسبت به کل قصیده از نظر آماری چشمگیر نیست:

هست در روم و خطا امن مسلمانان را      نیست یک ذره سلامت به مسلمانی در  
وقت آن است که یابند ز رمحت پاداش      گاه آن است که گیرند ز تیغت کیفر  
(همان، ۲۰۲)

در بیت نخست شاعر با گوشه و کنایه زدن، تعصب دینی ممدوح - سلجوقیان - را به چالش کشیده است که چرا در قلمرو سلجوقیان مسلمانان امنیت و آسایش ندارند، در حالی در گستره کفر به تعبیر شاعر این فراغ و رفاه وجود دارد؛ در بیت دوم در بیان آنکه زمان عذاب و گوشمالی دادن ترکان غز فرارسیده است، انوری با گزینش واژه «پاداش» بجای مجازات از تهکم سود جست است.<sup>۴</sup>

در این قصیده انوری از نظر دانش معانی، با کاربرد جملات انشایی در معانی ثانوی و ضمنی بیشتر توجه مخاطب را جلب می‌کند. شاعر گاه به شکل مستقیم و زمانی به دلیل جایگاه مخاطب و القای غرض اصلی به صورت غیرمستقیم با وی (مخاطب) سخن گفته است. ۱۲۹ جمله قصیده از نوع خبر است و این مطلب همسو با قصد گوینده و محتوای کلی حاکم بر متن شعر است که در آن انوری آگاه کردن و ابلاغ خبر به مخاطب را در نظر دارد:

کشته فرزند گرمی را گر ناگاهان      بیند، از بیم خروشید نیارد مادر  
آنکه را صد ره غز زر ستد و باز فروخت      دارد آن جنس که گویش خریده‌ست به زر  
بر مسلمانان زان نوع کنند استخفاف      که مسلمان نکند صد یک از آن با کافر



هست در روم و خطا امن مسلمانان را نیست یک ذره سلامت به مسلمانی در  
(همان)

۲۳ جمله قصیده از نوع امر است و با توجه به جایگاه گوینده و مخاطب، نوع امر همه از پایین به بالا و با معانی ضمنی استرحام، التماس، درخواست، تمنا و از این قبیل است. شاعر بیشتر از روی عجز و ناتوانی خود و اهل خراسان از مخاطب یاری خواسته است:

قصه اهل خراسان بشنو از سر لطف	چون شنیدی ز سر رحم به ایشان بنگر ...
رحم کن رحم بر آن قوم که نبود شب و روز	در مصیبتشان جز نوحه‌گری کار دگر
رحم کن رحم بر آن قوم که جویند جوین	از پس آنکه نخوردندی از ناز شکر
رحم کن رحم بر آنها که نیابند نمد	از پس آنکه ز اطلسشان بودی بستر
رحم کن رحم بر آن قوم که رسوا گشتند	از پس آنکه به مستوری بودند سمر

(همان، ۲۰۲ و ۲۰۳)

شاعر در بیت نخست به مخاطب التماس می‌کند و درخواست دارد تا به شکوه و شکایت اهل خراسان گوش سپارد و در پی آن در ابیات دیگر با گزارش ستم ترکان غز در صدد است تا با معنای ضمنی استرحام، رحم و شفقت مخاطب را برانگیزد. وی در پایان قصیده نیز از طریق فعل امر در قالب تأیید برای ممدوح دعا کرده است:

تا جهان را بفرورد خور گیتی پیمای از جهانداری ای خسرو عادل بر خور  
(همان، ۲۰۵)

۹ جمله قصیده از نوع پرسشی است که شاعر در آنها اغراض بلاغی دارد و پرسش زبانی وی صرفاً برای رسیدن به پاسخ نیست:

خبرت هست که از هرچه دراو چیزی بود	در همه ایران امروز نمانده‌ست اثر؟
خبرت هست کزین زیر و زبر شوم غزان	نیست یکی ز خراسان که نشد زیر و زبر؟

(همان، ۲۰۲)

این پرسش‌ها و نظایر آن می‌تواند معنی تنبیه و تذکر و هشدار به مخاطب داشته باشد و به نوعی بیانگر شکوه و نشانه تعجب گوینده از مخاطب باشد که چرا از اوضاع خراسان خبر ندارد و اگر خبر دارد، چرا کاری در پیش نگرفته است.

نکته دیگری که درباره برخی از ابیات این قصیده از نظر دانش معانی گفتنی است استفاده شاعر از اطناب است؛ به ویژه در ابیات نخستین و میانی قصیده که در آنها انوری از طریق تکرار و تزییل (رجایی، ۱۳۷۹: ۲۱۲-۲۱۵) مانند تکرار «نامه» و اصطلاحات مربوط به آن و نیز نموده‌های مختلف رفتار غزان با اهل خراسان، ضمن تأکید بر موضوع قصیده و جلب توجه مخاطب، دامنه سخن را بسط داده و از راه استفاده از عبارات مترادف موضوع و محتوای سخن را مؤکد و رسا کرده است.

#### ۴. سطح ایدئولوژیک قصیده





این قصیده انوری اثری است که جلوه آفاقی و برون‌گرایی در آن بیشتر نمود دارد. دلیل این امر هم تصویرسازی شاعر از فضای خراسان و وضعیت اهل خراسان در پی حمله غزان است. فضای کلی شعر غم‌زده و اندوه‌بار است و شاعر با هم‌میهنان زیر سلطه و ستم خود همدردی کرده است. انوری در قالب این قصیده سیاسی، از حاکمی ترک - قلع طمغاج - برای یاری ممدوح و پادشاهی ترک - سنجر سلجوقی - و دفع حمله ترکان غز - هم‌نژادان ایشان - استمداد می‌جوید و به عنوان سخنوری مسلمان، اهل خراسان و شاعری درباری و مدیحه‌گو با توجه به ایدئولوژی حاکم بر جامعه روزگارش - دین رسمی، حکومت‌ها و دربار سلجوقیان - سخن می‌گوید.

سلجوقیان با تکیه بر تفکر اشعری و ترویج روحیه عرفانی وارد میدان سیاست و کشورداری شدند «سلاجقه راهی جز این نداشتند که تکیه‌گاه دینی را اختیار کنند زیرا نه روزگار روزگار ایدئولوژی‌های ملی و ارزش‌هایی از آن دست بود و نه آنها می‌توانستند با چنان ایدئولوژی‌ها و معیارهایی وارد عمل شوند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۹۳). ایدئولوژی در مفهوم عام به معنای نظامی از باورها و هنجارها به کار می‌رود. «ایدئولوژی عبارت است از باورهای بنیادین یک گروه و اعضای آن؛ بنابراین با مقولات ادارکی و شناختی افراد مرتبط است و چگونگی تفکر، تکلم و استدلال فرد و گروه را هدایت می‌کند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۴۸). انوری و اهل خراسان در چهارچوب ایدئولوژی یاده شده سلجوقیان، بر این باورند که پادشاه حاکم دینی و راعی رعیت است. ایدئولوژی بن (Ideologeme) کَلِّمُ رَاعٍ وَ کَلِّمُ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ به عنوان کوچکترین واحد قابل درک ایدئولوژی (مکاریک، ۱۳۸۵: ۴۶) در تمام ساختار قصیده انوری و شکایت خراسانیان از یورش ترکان غز حضور دارد و محور عمودی شعر با این ایدئولوژی بن قوام گرفته است:

تا کنون حال خراسان و رعایا بوده‌ست	بر خداوند جهان خاقان پوشیده مگر ...
ای سرافراز جهانبانی کز غلیت فضل	حق سپرده‌ست به عدل تو جهان را یکسر
بهره‌ای باید از عدل تو نیز لیران را	گرچه ویران شد بیرون ز جهانش مشمر
	(انوری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۰۱ و ۲۰۳)

بسامد فراوان واژگان دینی و اقامه دلایل اعتقادی اسلامی در زبان شعری انوری در این قصیده ناشی از این ایدئولوژی مسلط است. گیرنده قصیده، حاکم سمرقند، با تعابیری مانند داور حق (بیت ۴۶)، سایه حق (بیت ۵۵)، خسرو عادل (بیت ۹ و ۷۳) و خداوند جهان (بیت ۶ و ۶۳) و ... مورد خطاب قرار گرفته است و این تعابیر بار معنایی ایدئولوژیک دارند:

به تو ای سایه حق خلق جگرسوخته را  
او شفیع است چنان کامت را پیغمبر  
(همان، ۲۰۴)

با توجه به اینکه شاعر می‌داند مشروعیت حاکمان سلجوقی در سایه تفکر دینی اسلام است، در تمام ابیاتی که از ایشان نام برده یا تقاضای یاری کرده، از واژگانی با بار معنایی دینی بهره برده است؛ واژه‌هایی مانند شهید (بیت ۳)، عدل (بیت ۱۳ و ۳۳ و ۴۲ و ۴۳)، دین (بیت ۱۵)، مسجد جامع (بیت ۲۱)، خطبه (بیت ۲۲)، خطیب (بیت ۲۲)، منبر (بیت ۲۲)، مسلمان و مسلمانی (بیت ۲۵ و ۲۶)، کافر (بیت ۲۵)، سوگند به خدا (بیت ۲۸)، فردوس (بیت ۲۸)



۳۲)، وقف (بیت ۳۲)، حشر (بیت ۳۲)، محشر (بیت ۵۶)، رعایا (بیت ۶ و ۷)، خلد (بیت ۳۳)، سقر (بیت ۳۳)، ملک العرش (بیت ۴۰)، اسلام (بیت ۵۱)، شرع (بیت ۵۰)، شفاعت پیامبر (ص) (بیت ۵۵)، الحمد (بیت ۶۶) و ... . در کنار ایدئولوژی دینی حاکم بر قصیده، انوری شاعری است مدیحه‌پرداز و درباری پس طبیعی است که باورها و سنن حاکم بر ادبیات درباری را نیز باید به عنوان گفتمان غالب و مسلط در این قصیده بازتاب دهد. از این چشم‌انداز شاعر در کنار رمزگان دینی که بنیاد فکری این قصیده بر آن نهاده شده است، رمزگان حکومتی و درباری را هم به عنوان ایدئولوژی رسمی پذیرفته و در شعرش آن را تثبیت و تأیید می‌کند. مخاطب شعر که خود از ترکان غز است به عنوان پادشاه و ظل الله «به تو ای سایه حق خلق جگر سوخته را ....» قلمداد شده است و عناوین و اوصاف رایج در قصاید مدحی سیاسی و حکومتی به او نسبت داده شده است:

خسرو عادل خاقان معظم کز جدّ	پادشاه است و جهاندار به هفتاد پدر ...
ای کیومرث بقا پادشاه کسری عدل	وی منوچهر لقا خسرو افریدون فر ...
گرد آفاق چو اسکندر برگرد از آنک	تویی امروز جهان را بدل اسکندر ...
تا جهان را بفروزد خور گیتی پیمای	از جهانداری ای خسرو عادل بر خور

(همان، ۲۰۱ - ۲۰۵)

نکته مهمی دیگری که شایان ذکر است استفاده انوری از شگرد مشخص‌سازی در گفتمان این قصیده است (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۷۰) که از طریق تفکیک میان گروه‌های کارگزار مطرح در متن قصیده برجسته شده است. شاعر با صراحت دو گروه را از یکدیگر تفکیک کرده است و گروهی به عنوان خودی (اهل خراسان) و گروهی دیگر به عنوان دیگری (غزان) بازنمایی شده است؛ اما آنچه در خور توجه است این است که شاعر به دلیل استقرار دولت سلجوقی در قلمرو خراسان و انتساب خود به دربار ایشان، سنجر و قلج طمغاج را «خودی» شناسانده است و ترکان غز هم‌نژاد ایشان را «دیگری» انگاشته است. بر پایه این تفکر و نگرش خراسان را «ایران» و سمرقند، قلمرو قلج طمغاج، را «توران» خوانده است:

کارها بسته بود بی‌شک در وقت و کنون	وقت آن است که راند سوی ایران لشکر...
چون شد از عدلش سرتاسر توران آباد	کی روا دارد ایران را ویران یکسر ...
کشور ایران چون کشور توران چو تو راست	از چه محروم است از رفت تو این کشور

(انوری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۰۱ و ۲۰۳)

در حالی که این مرزبندی شاعر تنها بر پایه ایدئولوژی و بافت و محیط آن روزگار توجیه‌پذیر است و در اصل چنین تحدید قلمرو جغرافیایی درست نیست. «سرزمین ماوراءالنهر با آنکه نژاد ایرانی از آن برنیفتاده بود سرزمین توران خوانده می‌شد و علت آن چیرگی‌های متواتر قبایل ترک و سکونت آنها در این ناحیه بوده است.» (صفا، ۱۳۳۹، ج ۲:



## ۵. نتیجه گیری

انوری یکی از شاعران دوره گذار از سبک خراسانی به سبک عراقی است و از قصیده سرایان برجسته تاریخ ادبیات فارسی است. قصیده سیاسی «به سمرقند اگر بگذری ای باد سحر...» یکی از اشعار عاطفی، اجتماعی و تاریخی اوست که مخاطبی انسانی و عام دارد و از نظر سبکی شاخص و محل تأمل است.

این قصیده در یکی از بحرهای پر کاربرد شعر فارسی - بحر رمل مثنی مخبون اصلم - که مناسب برای بیان مفاهیم عاطفی است، با بهره جستن از دو قاعده ابدال و تسکین سروده شده است. در این قصیده چندین بیت عیب قافیة ایطای جلی و خفی دارد و آرایه تکرار و انواع جناس در آن بیشتر نمود دارد. کاربرد برخی واژگان در جایگاه قافیه و نوع تلفظ آنها نشان از دیرینگی متن دارد.

از نظر واژگان انوری در این شعر متناسب با موضوع، از رمزگان حکومتی و رمزگان شعر درباری به دلیل مخاطب درباری - حاکم سمرقند - بیشتر استفاده کرده است و متناسب با ایدئولوژی سلجوقیان از رمزگان دینی اسلام برای اقناع مخاطب سود برده است. برخی از واژگان شعر به دلیل مرزبندی میان خودی، اهل خراسان و شاعر؛ و دیگری، ترکان غز، نشان دار است.

از نظر نحوی شعر ساده و نزدیک به زبان مخاطب است. افعال گذرا که نشانگر صدای فعال متن است غلبه دارد و عمده افعال دارای وجه خبری و زمان حال است که نشان دهنده قطعیت بالای متن و نبود فاصله میان شاعر و رخداد گزارش شده در متن است. افعال وجه امری معنای درخواست و خواهش دارند و برخی ساختارهای دستوری کهن متن بیانگر رعایت هنجارهای معمول زمان شاعر و فاصله متن با زمان حاضر است.

در بخش بلاغی برجستگی قصیده در ابیاتی است که آرایه های بدیعی تکرار، موازنه، مراعات نظیر، تضاد و تقابل، اغراق، تلمیح و تنسیق الصفات، تحویل یا تاکید الذم بما یشبه المدح و... به کار رفته است. از نظر بیان پایه شعر بر تشبیه از نوع مجمل و توأم با اغراق است و در چند بیت کنایه و تعریض به کار رفته است. از نظر معانی جمله های انشایی با معانی ضمنی و ثانوی در خور تأمل است. از جمله های امری و پرسشی به ترتیب معانی درخواست، تمنا، استرحام، تذکر و تنبیه استنباط می شود و شاعر برای تأکید موضوع و بسط محتوا از اطناب - تکرار و تزیین - کمک گرفته است.

این قصیده از نظر اندیشه و ایدئولوژی به سبب توجه شاعر به ترسیم فضای خراسان شعری است آفاقی و برون گرا و به دلیل آن که بیان کننده ویرانی خراسان و پریشانی حال مردم آن سامان است، شعری اندوهبار و غم انگیز است. شاعر با پذیرش و تثبیت و همسویی با ایدئولوژی بن اسلامی کَلِّمُوا رَاعٍ وَ كَلِّمُوا مَسْئُولًا عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ اندیشه ظِلُّ اللَّهِ سلطان، تلاش کرده است حاکم سمرقند را برای دفع ترکان غز اقناع کند. انوری با تقسیم جامعه به خودی (شاعر و اهل خراسان) و دیگری (ترکان غز) حاکم غیر ایرانی سمرقند و هم نژاد ترکان غز را خودی انگاشته و از او برای دفع غزان مدد خواسته است و در این تفکیک و مشخص سازی واقعیت تاریخی و نژادی را نادیده گرفته است.



### یادداشت‌ها

۱. درباره گزارشهای مربوط به نام و نشان، تاریخ حیات، و ممدوحان شاعر بنگرید به: انوری، محمد بن محمد، دیوان انوری، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، جلد ۱، (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶)، صفحه ۳۰ - ۹۰.
۲. رباعی مشهوری که انوری را در قصیده‌سرایی یکی از پیامبران شعر فارسی لقب داده‌اند: در شعر سه کس پیمبرانند/ هر چند که لا نبی بعدی/ اوصاف و قصیده و غزل را/ فردوسی و انوری و سعدی
۳. برای آگاهی بیشتر درباره تعریف و شواهد و اختلاف نظر بلاغیان در این زمینه بنگرید به: کاردگر، یحیی، فن بدیع در زبان فارسی (تهران: فراسخن، ۱۳۸۸)، صفحات ۱۶۹ - ۱۷۵.
۴. درباره استعاره تهکمیه یا عنادیه و استعاره بودن یا کنایه شمردن آن در منابع بلاغت بنگرید به: مشرف، مریم، شیوه نامه نقد ادبی (تهران: سخن، ۱۳۸۵) ص ۱۶۶ و آقاحسینی، حسین، «نقد و تحلیلی بر استعاره عنادیه در کتب بلاغی» در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۳۶، شماره ۳ (۱۳۸۲)، صص ۱۲۵ - ۱۳۷.





## منابع

- آقا حسینی، حسین (۱۳۸۲) «نقد و تحلیلی بر استعاره عنادیه در کتب بلاغی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۳۶، شماره ۳ (پیاپی ۱۴۲)، صص ۱۲۵ - ۱۳۷.
- انوری، محمد بن محمد (۱۳۷۶) دیوان انوری، جلد اول: قصاید، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- درپر، مریم (۱۳۹۲) سبک‌شناسی نامه‌های غزالی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: انتشارات علم.
- رجایی، محمدخلیل (۱۳۷۹). معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰) انواع نثر فارسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۸) با کاروان حله: مجموعه نقد ادبی، تهران: انتشارات علمی.
- شفایی، احمد (۱۳۶۳) مبانی علمی دستور زبان فارسی، مؤسسه انتشارات نوین.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۴) مفلس کیمیا فروش (نقد و تحلیل شعر انوری)، تهران: انتشارات سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۲) سبک‌شناسی شعر، تهران: انتشارات فردوس.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶) کلیات سبک‌شناسی، تهران: میترا.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۳۹) تاریخ ادبیات در ایران از میانه قرن پنجم تا آغاز قرن هفتم، جلد دوم، تهران: کتابفروشی ابن سینا.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۰) سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روشها، تهران: سخن.
- کاردگر، یحیی (۱۳۸۸) فن بدیع در زبان فارسی، تهران: فراسخن.
- محبتی، مهدی (۱۳۸۶) بدیع نو: هنر ساخت و آرایش سخن، تهران: سخن.
- مدرسی، حسین (۱۳۸۴) فرهنگ کاربردی اوزان شعر فارسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مشرف، مریم (۱۳۸۵) شیوه نامه نقد ادبی، تهران: سخن.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۵) دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- نورایی‌نیا، زهره و حسن اکبری بیرق (۱۳۹۳) «حمله غزها به خراسان و بازتاب آن در قصاید فارسی»، تاریخ ادبیات، شماره ۷۴، صص ۱۹۷ - ۲۱۴.
- نورگارد، نینا و دیگران (۱۳۹۳) فرهنگ سبک‌شناسی، ترجمه احمد رضایی جمکرانی و مسعود فرهمندفر، تهران: انتشارات مروارید.



وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۹) بدیع از دیدگاه زیبایی شناسی، تهران: دوستان.  
یارمحمدی، لطف الله (۱۳۸۵) ارتباطات از منظر گفتمان شناسی انتقادی، تهران: هرمس.



# فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی



## *A Stylistic Analysis of Anvari's Ode on Invasion of Khorasan by Oghuz Turks*

*Tahereh mirhashemi<sup>1</sup>*

### **Abstract**

This study was conducted aimed at analyzing the Anvari's ode on invasion of Khorasan by Oghuz Turks in three linguistic, rhetorical and ideological axes. For this purpose, the following questions were raised: What codes did Anvari use in this political ode? What are Anvari's rhetorical techniques to report the Khorasan situation and convince his audience, Kilij Arslan? And what ideology dominates the context of this complaint and protest poem? To answer the above questions, the linguistic, rhetorical and intellectual data were extracted inductively from the text of the ode and analyzed using the descriptive-analytical method in the framework of poetry stylistics in the three linguistic, rhetorical and ideological axes. The results indicated that Anvari doubled the music of his words in the linguistic layer with repetition, balance, and a variety of alliterations and spoke to the audience using religious and governmental codes. In the rhetorical axis, while using the spiritual rhetorical figures, he used the polite order and the rhetorical question for punishment, remembrance and prolixity. In the ideological axis, the poet asked the audience for help by presenting extrovertive images, depicting the catastrophic atmosphere of the Khorasan community and displaying the oppression of the Oghuz Turks by resorting to the religious beliefs and customs of the court of Seljuk Turks.

**Keyword:** Anvari, Anvari's Ode, Stylistics, Stylistics axes.

1 . Assistant Professor of Arak University.Iran,Arak. //Email : t-mirhashemi@araku.ac.ir